

در لغت‌نامه‌ها، واژه‌های عربی که در لغت‌نامه‌ها آمده‌اند، عمدتاً از طریق کتب لغت و فرهنگ‌ها به دست آمده‌اند. این واژه‌ها در لغت‌نامه‌ها به گونه‌ای ثبت شده‌اند که نشان‌دهندهٔ حضور و نفوذ زبان عربی در فرهنگ و ادبیات فارسی است. در این بخش، به بررسی تعدادی از این واژه‌ها پرداخته می‌شود که در لغت‌نامه‌ها ثبت شده‌اند.

ه هارمونی

در ادبیات مغرب زمین کمتر لغتی پیدا میشود که از لحاظ وسعت معنی با اندازه لغت «هارمونی» هم‌جانبه و عالمگیر باشد. کلمه هارمونی گذشته از اینکه در موسیقی دارای معانی مختلفی میباشد، در تمام رشته‌های علمی و هنری هم بکار رفته و گاهی معنی آن چنان وسعت پیدا میکند که میتوان آنرا یک کلمه کامل «عام» یا «اونیورسال» دانست. تفسیر این کلمه بقدری مشکل است که تاریخ ادبیات جهان و حتی تاریخ موسیقی که تا اندازه زیادی با این کلمه بستگی دارد نتوانسته است تا این زمان دین خود را درباره معنی آن ادا کند.

البته ما ادعا نمیکنیم که میتوانیم در این مقاله این لغت را که تاریخ از درک حقیقت آن عاجز مانده تشریح کنیم، ولی قصد اینست که ناجاییکه امکان دارد معانی لغت را تشریح کرده و تا حد مقدور ریشه های این کلمه را در تمدن‌ها و علوم مختلف جستجو کنیم. تشریح کلمه یونانی «هارمونی» از لحاظ «اتی مولوژی» ۴ نشان میدهد که

۱ - Universal

۲ - Harmonia

۳ - Etymologie علم تشریح لغات از لحاظ ریشه و وجه اشتراك آن با

زبانهای مختلف بمنظور درک خود لغت و مشتقات آن.

قسمت اصلی این کلمه را قسمت اول یعنی «آر» یا «هار» تشکیل میدهد که از زبان های «هندو اروپائی» مشتق گردیده است. این سیلابها یعنی «آر» یا «هار» در این زبانها بمعنی «چیز مرتب و کاملی که از درهم آمیختن چیزهای متضاد کوچکتری بوجود آمده باشد» و یا بمعبارت دیگر «اتحاد اضداد» میباشد.

بدین ترتیب میتوان گفت که این تشریح تا اندازه ای در مورد علوم روانی کافی باشد، کما اینکه هنوز از نقطه نظر کسانیکه با اعداد و ریاضیات سروکار دارند ناراضبست. لغت هارمونی در ادبیات قدیم یونان باشکال مختلف ذکر شده است بخصوص در نوشته های «هومر» ۳ و «هز بود» ۴ زیاد بکار رفته است و همین امر میتواند تا اندازه ای برای معنی این لغت و درک بهتر آن بیا کمک بیشتری بنماید.

از جمله مفاهیم مختلف این لغت را میتوان «اتحاد و گره خوردن اشیاء مختلف»، «ملایم نمودن بمعنی ایجاد يك اتحاد ابدآلی»، «درهم آمیختن»، «قالب بودن»، «هماهنگی» و «جفت یکه یگر بودن» ذکر کرد. لغت هارمونی یا هارمونیا بمعنی «درهم آمیختن» و «قالب بودن» و در اشعار ادبی یونان قدیم بمعنی «كوك کردن ساز» و «نواختن ترانه» هم آمده است. در اینجاست که ما برای اولین بار باصل لغت هارمونی تا آنجا نیکه با موسیقی سروکار پیدا میکنیم. اینک برای اینکه بیشتر به معنی هارمونی پی برده و به صفات مختلف این لغت آشنا شویم بی مناسبت نیست که دایره کاوش را وسعت داده و به تمییزات عدیده این لغت که بوسیله اقوام و ملل و مذاهب و فلاسفه مختلف شده است رجوع کنیم.

یونان

لغت هارمونی گذشته از اینکه در زبان یونانی امروزی يك کلمه عام را بمعانی مختلف تشکیل میدهد، در اساطیر این ملت هم دل بسیار بزرگی را بازی میکرده و عنوان يك فیکور افسانه ابرا دارا بوده است. مثالهای فراوانی در ادبیات قدیم یونان بخصوص در افسانه های خدایان یافت میشود که هر يك بطرز دیگری از هارمونیا تعریف میکند.

مثلا در افسانه های «بوتین» ۵ هارمونیا دختر «آرس» ۶ خدای جنگ و کشتار در مقابل «آفرودیت» خدای زیبایی و عشق قرار گرفته است.

- | | |
|------------------------------|---------------|
| Indogerman - ۲ | Har یا Ar - ۱ |
| Hesiod - ۴ | Homer - ۳ |
| Böotien حوالی دریای قرنط - ۵ | |
| Ares - ۶ | |

طبق این افسانه‌ها «هارمونیا» بعد از ازدواج با «کادموس» ۱ بنیان‌گذار و حاکم «تینس» ۲ چهار دختر بوجود آورد که نامهای آنها عبارت بودند از «اینو» ۳ «سمله» ۴، «آگانو» ۵ و «آتونو» ۶. علاوه بر این يك پسر هم بنام «پولی‌دوروس» ۷ نمره این ازدواج بود.

داستان این ازدواج که بنا بر افسانه‌های موجود در حضور تمام خدایان انجام گرفت بعدها به اشکال دیگری وارد ادبیات موسیقی یونان گردید که تا امروز هم آثاری از آن باقی مانده و گاهی در آهنگهای محلی بصور مختلف ظاهر میشود.

افسانه‌های مختلف پارا از اینهم فراتر نهاده و این ازدواج را از لحاظ ابهت و ارزش با درهم آمیختن «پلیوس» ۸ و «تینس» ۹ یا با آمیزش «زویس» ۱۰ و «هرا» ۱۱ مقایسه مینمایند.

دیگر از افسانه‌های قدیم، هارمونیا را دختر «زویس» و «آتلانتیدالکترا» ۱۲ دانسته و وی را «مادر طرب و حامی و نگهبان علوم ظریفه و هنرهای زیبا» میدانند.

یکی از افسانه‌های قدیم یونان در باره سر توست هارمونیا و شوهرش میگوید که: چون هارمونیا با شوهرش «کادموس» وطن و دیار خود «تین» ۱۳ را ترک می‌کنند از اینجهت مورد غضب خدای خدایان «زویس» واقع شده و بشکل مار درمی‌آیند.

هرچند اساطیر قدیم یونان هارمونیا را به بهترین وجهی سمبول درهم آمیختن و هماهنگی معرفی مینماید ولی از طرف دیگر ادبیات عصر کلاسیک و هلنیک یونان پا را فراتر نهاده و هارمونیا را يك فیکور کاملاً مشخص و سمبل هماهنگی معرفی می‌نماید. این هماهنگی عبارت از دو چیز نزدیک و ملایم هستند دیگر نبوده بلکه هم-آهنگی دو چیز متضاد یا بعبارت دیگر «اتحاد اضداد» میباشد.

در یکی از افسانه‌های همین زمان (هلنیک) آمده است که هارمونیا از درهم آمیختن (هم آهنگی) آرس (خدای جنگ و کشتار) و آفرودیت (خدای زیبایی و عشق) بوجود آمده است.

اگر کمی در مفهوم این افسانه دقت کنیم می‌بینیم که این افسانه به بهترین وجهی هارمونیا را تشریح کرده و کاملاً معنای آنرا که همان هماهنگی دو چیز کاملاً متضاد است میرساند.

Thebens - ۲	Kadmos - ۱
Semele - ۴	Ino - ۳
Autonoe - ۶	Agauē - ۵
Peleus - ۸	Polydoros - ۷
Zeus - ۱۰	Thetis - ۹
Atlantide Elektra - ۱۲	Hera - ۱۱
	Theben - ۱۳

این طرز فکر و تشریح هارمونی نه فقط در ادبیات یونان وارد شده است بلکه در تمام شئون هنری قدیم این ملت موجود بوده است. حتی در تمدن اروپایی که وارث تمدن یونان گردید این طرز فکر رسوخ کرده و هارمونی همان مقام والائی را دارا گردید که یونانیها برای یکی از خدایان خود برگزیده بودند.

روم

موجودیت هماهنگی به انواع و طرق مختلف نه فقط در ادبیات قدیم یونان شناخته شده بود بلکه ملل واقوام دیگر هم هارمونی را به معنای هماهنگی و درهم آمیختن شناخته و در اکثر جاها بدان اشاره کرده اند. مثلا رومیان قدیم که اولین وارث تمدن یونان بودند هارمونی را نتیجه درهم آمیختن «مارس» و «ونوس» میدانستند.

چین

همانطور که ذکر شد در ازمنه قدیم فکر هارمونی به اشکال مختلف موجود بود یعنی اصل وجود «دو چیز متضاد» دلیل وجود «یک چیز کامل» بشمار میآمده است و حتی برای ایجاد این «چیز کامل» احتیاجی به درهم آمیختن دو چیز متضاد بمعنی اخس نبود. مثلا دو قطب متضاد شمال و جنوب کره زمین هر چند از نقطه نظر بعد مسافت ارتباط چندانی باهم ندارند ولی نمیتوان انکار کرد که هارمونی زمین بوجود همین دو قطب متضاد و مقابل هم (با اصطلاح موسیقی روی هم) بستگی تام داشته و موجودیتش بطور کامل مدیون دو قدرت «آنهارمونی» ۱ و «دیسهارمونی» ۲ می باشد.

مثالهای دیگری در همین زمینه در افسانه های سایر ملل بوفور یافت میشوند. مثلا طبق یکی از افسانه های قدیم چینی دنیای (زمین) از درهم آمیختن و ارتباط مستقیم «یانگ» ۳ یا «تین» ۴ (آسان، نور، جنس مذکر) با «ین» ۵ یا «تی» ۶ (زمین، ظلمت، جنس مؤنث) بوجود آمده است و خود وی و موجودیتش مرهون قدرت هارمونیک «کی هو» ۷ میباشد که تحت تأثیر مادر تمام موجودات یعنی «تایکی» ۸ قرار دارد.

این طرز بینش نه فقط در چین وجود داشت بلکه در سایر مذاهب و عقائد ملل خاور دور از جمله مذهب «کنفیوس» (۴۹۷-۵۵۱) و «تائوئیسم» ۹ که «لاوتسه» ۱۰ (قرن ششم ق.م.) بنیان گزار آن بوده آمیزش دو چیز متضاد و ایجاد هارمونی از این طریق بخوبی بچشم میخورد.

Enharmoni - ۱

Yang - ۳

Ti - ۶

Taismi - ۹

Laotse - ۱۰

Disharmoni - ۲

Tien - ۴

Kiho - ۷

Yn - ۵

Taiki - ۸

کتابهای قدیمی مثل «بی کینگ» ۱ (عوض شدن - رجعت کردن - معکوس شدن - روی آوردن) و «سی کینگ» ۲ (کتاب ترانه‌ها) و «تانوتنه کینگ» ۳ (کتاب معنای زندگانی) و کتاب «بهار و پاییز» ۴ از جمله آثار هستند که عقاید و مذاهب مختلف قدیمی از آنها الهام گرفته‌اند. این کتابها هر يك به طریقی درباره هارمونی بحث کرده و آنرا مجسم میساخته‌اند. از اینجمله وقتیکه صحبت از هارمونی یا هماهنگی دو چیز متضاد و یا ملایم میشود نباید تصور کرد که این ادعا يك ایده خیالی و یا فانتزی بوده بلکه ریشه‌های کهن در ادبیات ملل کهنسالتری مثل چین یا ملل دیگر خاور دور داشته است.

هند

طبق روایات اساطیر هند زمین در اثر تأثیر هارمونیک دو قدرت متضاد و متغیر بوجود آمده است این دو چیز متضاد عبارت از «ویشنو» ۵ (نگهدار و نگهدارنده زندگانی) و «شیوا» ۶ (درهم شکننده زندگانی) میباشند و مثل «پرایاپاتی» ۷ (خدای آفرینش) و «ایندرا» ۸ (خدای آفتاب) از مهمترین قدرتهای خدائی بشپار می‌روند.

در مذاهب «برهمن» و «بودا» و در کتابهای مثل «ربك ودا» ۹ (مجموعه سرودهای شکر و حمد) و «اوپانی شادز» ۱۰ (مجموعه کتابهای اسرار) و همچنین در افسانه‌های حماسی «مهابهاراتا» ۱۱ و «رامایانا» ۱۲ میتوان به عقایدی برخورد کرد که هم‌آهنگی را به بهترین وجهی تعریف کرده یعنی هارمونیک دو قدرت متضاد را رکن اساسی موجودیت خلقت دانسته‌اند.

ایران

در کتاب «زند اوستا» (قانونگذاری) که از زرتشت ۵۸۳-۶۶۰ ق.م. مییاشد اصل موجودیت دو قطب متضاد بواسیله دو قدرت مختلف «اهور مزدا» (نماینده نور - روشنائی - نیکی) و «اهریمن» (نماینده تاریکی - ظلمت و بدی) نشان

ممال علم‌الاساسی

- ۱ - Yi - King متعلق به قرن ۱۲ ق.م.
- ۲ - Si - King متعلق به قرن ۸ ق.م.
- ۳ - Taote - King متعلق به قرن ۶ ق.م. اثر Laotse
- ۴ - Lue - pu - we ۲۲۵ - ۳۰۰ ق.م.
- ۵ - Vishnu
- ۶ - Siva
- ۷ - Prayapati
- ۸ - Indra
- ۹ - Rigveda سال ۱۵۰۰ ق.م.
- ۱۰ - Upanishads سال ۱۰۰۰ ق.م.
- ۱۱ - Mahabharata سال ۵۰۰ ق.م.
- ۱۲ - Ramayana سال ۵۰۰ ق.م.

داده میشود. ریشه این دو قدرت «سروانا» (قسمت - سرنوشت) میباشد و در کنار «میترا» (خدای آفتاب) و خدای بزرگ قرار دارند.

بابل
در مذهب این قوم قدیمی آمده است که «مردوک» ۱ (خدای نور و روشنایی) بالاخره بعد از مبارزه سختی بر «تیامت» ۲ (خدای تاریکی و ظلمت) غلبه کرد. علاوه در حماسه های قدیمی این ملت بازم بدوفیکور «گیلگامش» ۳ و «ایستار» ۴ برمی - خوریم که از لحاظ جنسیت و خاصیت با «مردوک» و «تیامت» برابر هستند.

عرب
در کتاب آسمانی عرب یعنی «قرآن» این تضاد هارمونیک بوضوح موجود بوده یعنی دو قطب متضاد «بهشت» و «جهنم» به بهترین وجهی در قالب ظاهری فرشتگان «خوب» و «بد» کنجاندن میشوند. در حقیقت دو قدرت «نگهدارنده» و «نابودکننده» که یکی از اصول اصلی هارمونی میباشد بصورت دو قطب در مقابل همدیگر قرار گرفته اند.

یهود
در روایات عبری «کبله» ۵ که مخلوطی از اعتقادات عبرانی، هلنیکی، ایرانی و بابلی میباشد و کتابهای مشهوری مثل «جزیره» ۶ (کتاب خلقت) و «زهر» ۷ (کتاب تشمع) دارد، هارمونی اعداد پایه اعتقادات قرار گرفته است. و این بدان معنی است که ۱۰ «عدد» و ۲۲ «کلمه» تشکیل ۳۲ «راه حکمت» داده و پایه و اساس تمام خلقت میباشد.

مصر
مصریهای قدیم که پایه و اعتقادات آنان روی «را» (با آمون) خدای آفتاب قرار داشت معتقد بودند که «هوروس» ۸ پسر «ایزیس» ۹ و «اسیریس» ۱۰ (که خدای نور محسوب میشد) بر «ست» ۱۱ (خدای ظلمت و تاریکی) غالب گردید. نمونه دیگری از این «تضاد هارمونی» که در اعتقادات مصر قدیم آمده و با انسانهای یونانی و رومی شباهت زیادی دارد از جمله ازدواج «دهوروس» (آرس یا مارس) با «هاتور» ۱۲ (آفرودیت یا ونوس) میباشد.

Tiamat - ۲	Marduk - ۱
Istar - ۴	Gilgamesh - ۳
Jazirah - ۶	Kabbalah - ۵
Horus - ۸	Zohar - ۷
Osiris - ۱۰	Isis - ۹
Hathor - ۱۲	Seth - ۱۱

ژرمن

در افسانه‌های خدایان ژرمن‌ها تضاد «نور» و «ظلمت» در جلد «بالدور» ۱ نماینده نور (پسر « اودینس » ۲ و « فریگاس » ۳) و « لوکی » ۴ (نماینده ظلمت - پسر « فارباوتی » ۵ و « لاونفی » ۶ که دوغول بزرگ بودند) گنجانده شده بودند در ضمن « لوکی » نماینده « هل » ۷ (خدای مرگ و نابودی) و « بالدور » نماینده « تولد نوین جهان » هم بشمار می‌آمدند .

بطور کلی اگر ریشه‌های هارمونی را از نقطه نظر تعادل دو « قدرت » یا دو « متضاد » مورد کاوش قرار بدهیم می‌بینیم ریشه‌های اصلی آن در اساطیر ملل قدیم موجود بوده و پایه‌های آن روی افکار زمانهای بسیار قدیم یعنی همان عصر افسانه‌ها قرار دارد .

عصر افسانه‌ها نه فقط يك چهار دیواری تاریخی برای قسمتی از زمان تمدن و اعتقادات بشری میباشد بلکه اگر بخواهیم بیشتر موشکافی کنیم می‌بینیم که ریشه‌های هارمونی در آن عصر مشخص‌تر بوده یعنی میتوانیم آنرا در « دوگانگی » ۸ یعنی عصری که بشر اعتقاد به یگانگی نداشت بیابیم .

در همان اعصار قدیم بشر اعتقاد به هارمونی « ترتیب و گردش سیارات » و هارمونی « جان و روان » و غیره داشت . ولی اصل مسلم اینست که « هارمونی » به - معنای عام ازدو چیز متضاد تشکیل شده و بشر در تمام ازمه زندگانی خود با آن سرو کار داشته است . و باز هم بدین نکته برمیخوریم که همان خاصیت سیمتریکی که در اصل « دوگانگی » وجود دارد تغییر شکل داده و مانند تمام شئون طبیعت تبدیل به يك واحد فرد آسیمتریك گشته و تشکیل يك هارمونی ملایم‌تر را میداده است .

بقیه دارد

دکتر خاچی

Odins - ۲	Baldur - ۱
Loki - ۴	Friggas - ۳
Laufey - ۶	Farbauti - ۵
Dualism - ۸	Hel - ۷